

مبانی سوسیالیسم - بخش شش

سوسیالیسم اکنومیسمی - سوسیالیسم اخلاقی - سوسیالیسم تاریخی
 سوسیالیسم ولانتاریستی - سوسیالیسم پراگماتیستی - سوسیالیسم پراکسیستی
 سوسیالیسم انطباقی - سوسیالیسم دکماتیسمی - سوسیالیسم تطبیقی

نگاهی به مباحث گذشته: آنچه تاکنون در طی سلسله بحث های گذشته در رابطه با مبانی سوسیالیسم مطرح کردیم عبارت می باشد از :

اصل اول تاریخی بودن مقوله سوسیالیسم: اولین اصل از اصول مبانی سوسیالیسم عبارت است از اصل تاریخی بودن سوسیالیسم، که مطابق این اصل دیگر سوسیالیسم برای ما نه بعنوان یک مقوله اخلاقی است و نه یک عنوان یک مقوله اقتصادی است و نه بعنوان یک مقوله مجرد ذهنی می باشد بلکه بلعکس سوسیالیسم بعنوان یک واقعیت مشخص عینی مطرح میگردد. چرا که سوسیالیسم مطابق این اصل دیگر سوسیالیسم تخیلی نیست، سوسیالیسم اخلاقی نیست سوسیالیسم اتوپیاپی غیر قابل دسترس نیست بلکه سوسیالیسم علمی است. زیرا تعریف سوسیالیسم در چنین صورتی علم شدن جامعه انسانی می شود و چون موضوع سوسیالیسم علمی یا تاریخی شدن جامعه می باشد بنا بر این سوسیالیسم علمی یا سوسیالیسم تطبیقی یا سوسیالیسم پراکسیستی تبیین کننده علم تکامل جامعه می گردد که با توجه به خود ویژگیهای کنکرت هر جامعه ای نسبت به جامعه دیگر و عدم وجود یک قانونبندی کلی و عام و یکسان بر تمامی جوامع متنوع و متکثر بشری سوسیالیسم علمی یا سوسیالیسم تطبیقی یا سوسیالیسم پراکسیستی یا سوسیالیسم تاریخی میشود علم شدن مشخص جامعه مشخص انسانی و از آنجائیکه مطابق این تعریف از سوسیالیسم چون سوسیالیسم علم تکامل مشخص جامعه مشخص انسانی می باشد پس سوسیالیسم علم تغییر مشخص جامعه مشخص نیز میشود و باز از آنجائیکه سوسیالیسم با چنین تعریفی علم تغییر مشخص و تکامل مشخص و شدن مشخص جامعه مشخص نیز می باشد بنا بر این سوسیالیسم در چنین صورتی علم شدن مشخص و تکامل مشخص و تغییر مشخص جامعه مشخص میشود که با پدیدار شدن آیتیم تغییر در موضوع سوسیالیسم علمی یا سوسیالیسم تطبیقی یا سوسیالیسم پراکسیستی یا سوسیالیسم تاریخی جبراً باید چنین سوسیالیسمی بر زمان نیز تکیه نماید چراکه بی زمان سوسیالیسم نه می تواند تغییر داشته باشد و نه می تواند تکامل داشته باشد و نه می تواند شدن داشته باشد و تنها با تکیه وجودی و فلسفی سوسیالیسم بر زمان است که شرایط وجودی جهت تحقق شدن و تغییر و تکامل برای انسان و جامعه در بستر دیالکتیک فلسفی و وجودی فراهم میگردد و چون سوسیالیسم در عرصه شدن و تغییر و تکامل جامعه بر زمان تکیه دارد پس سوسیالیسمی علمی و تطبیقی و پراکسیسمی می باشد که جبراً بر تاریخ و علم تاریخ و فلسفه تاریخ تکیه کرده باشد و از دل تاریخ کنکرت جامعه کنکرت سر بیرون آورده باشد نه از دل کپی برداری از سوسیالیسم وارداتی دیگر جوامع یا از دل اخلاق و فلسفه ها و آیات و روایات و ... و بر پایه این تعریف از سوسیالیسم بود که در مباحث قبل به مرزبندی بین چنین سوسیالیسمی با اشکال دیگر سوسیالیسم پرداختیم و لذا در همین رابطه بود که سوسیالیسم را به چهار دسته تقسیم کردیم که عبارت بودند از:

اول - سوسیالیسم اکنومیستی: که دلالت بر آن دسته از نحله های سوسیالیستی می کند که به سوسیالیسم بعنوان آلترناتیو اقتصادی جامعه و نظام سرمایه داری می نگرند و بر همین اساس مبانی خود را جبراً بر پایه فلسفه پراگماتیسمی استوار می کنند و هدفشان صرفاً اعتلای و رشد اقتصادی می باشد مانند سوسیالیسم استالینسم که بر پایه جبر ماتریالیسم و اصالت پراگماتیسم و مضمون و محتوای اکنومیسم نزدیک به یک قرن در اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق سابق و کشورهای پیرامونی آنها از کوبا گرفته تا یمن و اتیوپی و ... مستقر گردید و عامل اصلی بحران تمامی کشورهای باصطلاح سوسیالیستی و متلاشی شدن بلوک شرق و کشورهای تابع پیرامونی آنها ریشه در این نوع نگرش غیر دیالکتیکی سوسیالیسم اکنومیکی به انسان و جامعه و تاریخ و ... داشته است و تا زمانیکه مضمون این نحوه از نگاه به سوسیالیسم از صورت سوسیالیسم اکنومیستی به طرف سوسیالیسم تاریخی یا سوسیالیسم علمی یا سوسیالیسم تطبیقی یا سوسیالیسم پراکسیستی تغییر پیدا نکند امکان رهائی سوسیالیسم بین المللی از بحرانی که امروزه گریبانگیر او شده است وجود نخواهد داشت.

دوم - سوسیالیسم اخلاقی: سوسیالیسم اخلاقی عبارت از سوسیالیستی که از پنج قرن قبل از میلاد مسیح تا پرودن و فوریه نیمه اول قرن نوزدهم و تا امروز ... بشریت در تلاش کسب آن می باشد و بر عکس سوسیالیسم اکنومیستی که بشریت توانست برای نزدیک به یک قرن جهان را در زیر چتر سوژکتیو و ابژکتیو خود نگه دارد سوسیالیسم اخلاقی حتی برای یک شب در یک کارگاه هم نتوانست مادیت عینی خود را به نمایش بگذارد و بهمین خاطر بود که زمانیکه

طرفداران این نظریه از تحقق این سوسیالیسم در زمین نا امید شدند یا بصورت سربازان بدون یونیفورم لیبرالیسم اقتصادی یا نظام سرمایه داری جهانی (آنچنانکه ژان پل سارتر پلان شخصیت و کارکردی آنها را ترسیم می کند) در آمدند و کوشیدند تا در جوامع کشورهای پیرامونی تحت لوای تجلیل از لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم معرفتی و لیبرالیسم اخلاقی و سکوت در برابر لیبرالیسم اقتصادی زمینه فرهنگی و سوژکتیویته جهت تثبیت نظام لیبرالیسم اقتصادی که همان نظام سرمایه داری جهانی می باشد فراهم سازند و یا اینکه آنرا به بهشت آخرت حواله کردند یا چشم به تحقق آن در آسمانها بستند.

سوم - سوسیالیسم تاریخی: که عبارت است از سوسیالیستی که بجای اینکه بر اقتصاد در کانتکس اکونومیستی آن تکیه داشته باشد بر انسان تکیه می کند و بجای اینکه بر انسان در شکل ارسطویی آن که انسان کلی و مجرد و عام و ذهنی می باشد تکیه داشته باشد بر انسانی تکیه می کند که واقعی و مشخص و عینی می باشد و دائما در حال شدن است آنچنانکه علامه محمد اقبال لاهوری می گوید:

ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم / هیچ نه معلوم شد آه که من کیستم
موج زجان رفته ای تیز خرامید گفت / هستم اگر میروم گر نروم نیستم

یا آنچنانکه مولانا جلال الدین بلخی در دفتر اول مثنوی صفحه 25 از سطر 29 می گوید:

هر نفس نومیشود دنیا و ما / بی خبر از نوشدن اندر بقا
مر همچون جوی نو نو می رسد / مستمیری می نماید در جسد
آن زتیزی مستمر شکل آمده است / چون شرر کش تیز جنبانی بدست
شاخ آتش را جنبانی به ساز / در نظر آتش نماید بس دراز
این درازی مدت از تیزی صنع / می نماید سرعت انگیزی صنع
از وجود ادمی جان و روان / می رود در غیب چون آب روان
دم بدم از غیب نو نو میرسد / از جهان تن به بیرون میرسد
صورت از بی صورتی آمد برون / باز شد کانا الیه راجعون

البته به انسانی که اراده آزاد انتخابگر می باشد و دائما در حال شدن می باشد البته شدنی که مادیت فلسفی آن تنها در بستر دیالکتیکی عینیت می یابد که این دیالکتیک فلسفی آنچنانکه شیخ محمود شبستری می گوید:

بهر جزئی زکل کان نیست گردد / کل اندر دم زامکان نیست گردد
جهان کل است و در هر طرفه العین / عدم گردد و لایقی زمانین
دگر باره شود پیدا جهانی / به هر لحظه زمین و آسمانی
بر سه پایه:

1. ثبات
2. نفی
3. نفی

نفی که همان اثبات تکامل یافته یا شدن می باشد به انجام میرسد که عین این دیالکتیک شدن را قرآن در سوره ق آیه 43 به این شکل مطرح می کند - **إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِنَّا الْمَصِيرُ** - همانا ما زنده می کنیم (اثبات) و ما می میرانیم (نفی) و بسوی ما شدن شما است (اثبات در بستر شدن)
یا آنچنانکه امام علی می فرماید: **نفس المرء خطئات الی اجله** هر نفس حیاتی در انسان خود قدمهایی است بسوی مرگ او.
یا آنچنانکه مولوی می گوید:

که زضدها ضدها آید پدید / در سویدا روشنائی آفرید
در عدم (نفی) هست (اثبات) ای برادر چون بود / ضد اندر چون مکنون بود
ضد اندر ضد پنهان مندرج / آتش اندر آب سوزان مندمج

دفتر سوم مثنوی صفحه 199 از سطر 37:

از جمادی (اثبات) مردم (نفی) و نامی شدم (نفی نفی یا اثبات بر پایه شدن) / از نما (اثبات دوم) مردم (نفی دوم) به حیوان سرزدم (نفی، نفی دوم یا شدن اثباتی دوم)
 مردم (نفی سوم) از حیوانی (اثبات سوم) و آدم (نفی نفی چهارم یا شدن اثباتی چهارم) شدم / پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم (اثبات شدن یا کمال پیوسته شدن انسان)
 حمله دیگر بمیرم از بشر (شدن پیوسته و مداوم انسان) / تا بر آرم از ملانک بال و پر
 و زملک هم بایدم جستن زجو / کل شئی هالک الا وجهه
 بار دیگر از ملک پران شوم / آنچه اندر و هم ناید ان شوم
 پس عدم (نفی) کردم عدم (نفی نفی) چون ارغنون / گویدم انا الیه راجعون

علی ایحال شدن انسان برای یک لحظه هم سکون ندارد تا تعریف شود و از آنجائیکه این انسان تکامل پذیر در حال شدن دائما تغییر می کند و با تغییر خود زمان را به استخدام می کشد که از دل این پیوند تغییر با زمان تاریخ بعنوان یک واقعیت عینی و علمی و قانونمند که علم شدن انسان می باشد از دل شدن مداوم انسان زایش می کند اینجا است که انسان بر پایه شدن خود دائما تاریخ علمی و قانونمند خود را می آفریند لذا تاریخ علم شدن این انسان می باشد نه ذکر حوادث بودنش و سوسیالیسم تاریخی یکی از میوه های این تاریخ می باشد که مولود شدن انسان می باشد و در همین رابطه است که بعلمت اینکه سوسیالیسم علم شدن جامعه انسانی می باشد و جامعه نیز ظرف شدن انسان می باشد و تاریخ نیز علم شدن انسان می باشد لذا سوسیالیسم تاریخی چیزی نیست جز علم تاریخ که تا زمانیکه بشر استعداد کشف علمی این علم تاریخ پیدا نکرده است سوسیالیسم تاریخی بصورت فلسفه تاریخ مطرح میشود ولی با کشف قوانین علمی تاریخ سوسیالیسم تاریخی کاملا از چتر فلسفه تاریخ خارج شده و لباس علمی و عینی و مشخص خود را به تن خواهد کرد آنوقت است که دیگر سوسیالیسم مانند دوران سوسیالیسم اکونومیسم و سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم اخلاقی صورت عام و کلی نخواهد داشت بلکه برحسب جامعه مشخص بصورت مشخص و کنکرت مطرح خواهد شد.

ادامه دارد